

بررسی رابطه هویت اجتماعی با احساس امنیت در زنان شهر تهران

اکرم مستوفی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۶/۳۰

چکیده

زمینه و هدف: هویت پدیده‌ای زنده، پویا و شامل بخش‌های گوناگونی است که از عضویت فرد در گروه‌های مختلف ناشی می‌شود به طوری که این هویت‌ها قسمتی از هویت کلی فرد را تشکیل می‌دهند. هویت اجتماعی، بخش مهمی از هویت فرد است که بسیار گسترده و دارای ابعاد مختلفی است. امنیت اجتماعی یکی از نیازهای ضروری حیات بشری است که بدون آن امکان فعالیت آزادانه انسان محدود می‌شود. احساس امنیت اجتماعی متأثر از عوامل متعددی است که هویت اجتماعی یکی از آنان است. هدف از مطالعه حاضر بررسی رابطه هویت اجتماعی (متغیر مستقل) با احساس امنیت (به عنوان متغیر وابسته) در زنان می‌باشد.

روش: روش پژوهش پیمایشی است. با توجه به اهمیت موضوع خصوصاً برای زنان، تحقیق حاضر به مطالعه نظریه‌های امنیت و هویت اجتماعی پرداخته و در نهایت با بهره‌گیری از نظریات آنتونی گیدنز و ریچارد جنکینز، چهارچوب نظری پژوهش، تدوین گردید. در این تحقیق اطلاعات لازم با استفاده از تکنیک پرسشنامه از یک نمونه ۳۰۰ نفری از بین زنان ۱۸ تا ۶۵ ساله شهر تهران که به صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند، جمع‌آوری گردید.

یافته‌ها: نتایج تحقیق، حاکی از وجود همبستگی ۲۴ درصدی و رابطه معنادار بین هویت اجتماعی و احساس امنیت است.

نتیجه‌گیری: متغیرهای هویت فردی و اعتماد بنیادین، بیشترین اثرات را در متغیر وابسته یعنی احساس امنیت داشته‌اند و متغیر گستره روابط اجتماعی به دلیل میزان همبستگی بسیار اندک، کمترین ارتباط را با احساس امنیت نشان دادند.

کلیدواژه‌ها: احساس امنیت زنان، هویت اجتماعی، اعتماد بنیادین، روابط اجتماعی، هویت فردی.

۱. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی (گرایش مسایل اجتماعی ایران)، دانشگاه پیام نور، واحد تهران، تهران، ایران
a.ejtemaee2008@yahoo.com

مقدمه

«احساس امنیت» از موضوعات بین‌رشته‌ای است که حوزه‌هایی چون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، مطالعات امنیتی، علوم سیاسی و حتی فلسفه، هر یک از منظر خاصی به ابعاد و زوایای آن پرداخته‌اند. احساس امنیت با طرح مسائلی چون جامعه خطرپذیر، امنیت وجودی، رفاه اجتماعی و هویت اجتماعی، بعد از دهه ۶۰ در قرن بیستم وارد مطالعات تجربی شد. بر این اساس ادبیات نظری احساس امنیت فراتر از ادبیات نظری خود امنیت، توسعه و گسترش پیدا کرد. با این توسعه ادبیات و مطالعات انجام‌شده، دیگر احساس امنیت به عنوان آن روی سکه امنیت تلقی نمی‌شود بلکه احساس امنیت به عنوان موضوعی قلمداد می‌شود که در فضای اجتماعی جامعه با منطق خاص، تولید، حفظ و بازتولید می‌شود و بر این مبنا برای خود استقلال موضوعیت پیدا کرده است (بیات، ۱۳۸۸، ص ۹).

بیان مسئله: با مروری بر تاریخ جوامع در می‌یابیم که امنیت همیشه یکی از مسایل اساسی و حیاتی بشر بوده است. در تاریخ جامعه‌ای را سراغ نداریم که دیرزمانی فارغ از دغدغه‌ها و معضلات امنیتی، روزگار را سپری کرده باشد. احساس امنیت یکی از شاخصه‌های کیفی زندگی شهرها و آسیب‌های اجتماعی از مهم‌ترین پیامدهای مختلف عدم احساس امنیت به‌شمار می‌آیند. در بسیاری از موارد این ویژگی (یعنی احساس عدم امنیت) در زنان جامعه بیشتر از مردان بوده است و این نکته قابل تأمل و مهمی است زیرا عدم احساس امنیت در زنان، موجب انتقال آن به خانواده و فرزندان و تأثیرگذاری آن در تربیت فرزندان و نسل آتی جامعه می‌شود. بدون شک زنانی که احساس امنیت پایین دارند، نسلی ترسو، محتاط و بی‌اعتماد به نظام سیاسی تربیت می‌کنند و از نظر روانی هم فرزندان مضطرب و دارای استرس به جامعه تحویل می‌دهند که در تمام ابعاد زندگی افراد و در سطح کلی، در جامعه تأثیرات ناگواری داشته و می‌توانند کشور را در مقابل حملات بیگانگان آسیب‌پذیر نمایند.

هرروزه با امواجی از اخبار و حوادث مرتبط با ناامنی مواجه می‌شویم. اکثر روزنامه‌ها یک صفحه را به اینگونه حوادث آن هم با تصویر و با توضیحات مفصل اختصاص می‌دهند، حتی برخی مجلات فقط به اینگونه حوادث می‌پردازند و جالب این که این صفحات، یکی از پرخواننده‌ترین صفحات روزنامه‌ها هستند. مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهند که یکی از متغیرهای مرتبط با احساس امنیت خصوصاً در زنان، هویت اجتماعی است. بسیاری از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان ضعف هویت اجتماعی و احساس بی‌هویتی را معادل بیگانگی و عدم احساس امنیت می‌دانند. هویت اجتماعی بالا در زنان موجب می‌شود تا آنان جرأت مقابله با جرایم علیه خود را پیدا کنند و با درک این توانمندی، احساس امنیت بیشتری داشته

باشند. عدم احساس امنیت در زنان به مفهوم تهدید ارزش نقش مادری، همسری و گاهی سرپرستی یک خانواده است و هرگونه آسیب و تجاوزی که زن و حریم زنانه او را از لحاظ جسمی و روحی تهدید کند، متعاقباً به نسل‌های بعدی منتقل و ویژگی‌های منفی از قبیل اضطراب شدید، بی‌اعتمادی، احساس ترس و بدبینی در جامعه گسترش خواهد یافت. در کل مقوله «احساس امنیت» زنان تا بدان جا اهمیت دارد که بگوییم: وصول به ارزش‌ها و آرمان‌های والای جامعه و هرگونه فعالیت‌هایی که نیاز به بستری ایمن و مطمئن در سطوح مختلف جامعه داشته باشد، همه و همه در گرو امنیت زنان آن جامعه است. به عبارت دیگر امنیت زنان، در زمره اهداف، منافع و ارزش‌های اصولی و پایدار جامعه است.

مبانی نظری پژوهش

■ **احساس امنیت:** احساس امنیت، پدیده‌ای روان‌شناختی-اجتماعی است که افراد از تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم، از شرایط و اوضاع محیط پیرامون به صورت‌های گوناگون آن را تجربه می‌کنند. با وجود احساس امنیت، فرد از زندگی در محیط اجتماعی خود، هراسان نبوده و در تعامل با دیگران احساس ایمنی می‌کند (بیات، ۱۳۸۸، ص ۱۵). احساس امنیت به عنوان زمینه و بستر قضاوت شهروندان از زوایای مختلف قابل بررسی است. در واقع احساس امنیت را می‌توان در سطح فردی، در حوزه روان‌شناسی و در سطح جمعی، در حوزه جامعه‌شناسی مورد تعمق قرار داد. احساس امنیت پدیده‌ای روان‌شناختی و دارای ابعاد گوناگونی می‌باشد. این احساس ناشی از تجربه‌های عینی و اکتسابی افراد از شرایط و اوضاع پیرامونی است، لذا به صورت‌های گوناگون آن را تجربه می‌کنند. از دیدگاه جامعه‌شناسی، احساس امنیت در واقع یک تولید اجتماعی است یعنی همه نهادهای اجتماعی در شکل‌گیری آن نقش ایفا می‌کنند. با این دید طبیعتاً همه ارکان جامعه از جمله مردم، حاکمیت، پلیس و... در تولید و ارتقای سطح آن نقش کلیدی و لاینفک دارند. برخی از مکاتب روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، احساس امنیت را از راه عکس آن یعنی احساس ناامنی تعریف کرده‌اند. احساس ناامنی دارای حیطه‌های مختلفی است و بر حسب شرایط اجتماعی فرد به گونه‌های متفاوت نظیر ناامنی شغلی، جانی، قضایی و اقتصادی ظهور می‌کند (بیات، ۱۳۸۸، ص ۱۵).

آنتونی گیدنز، امنیت را چنین تعریف می‌کند:

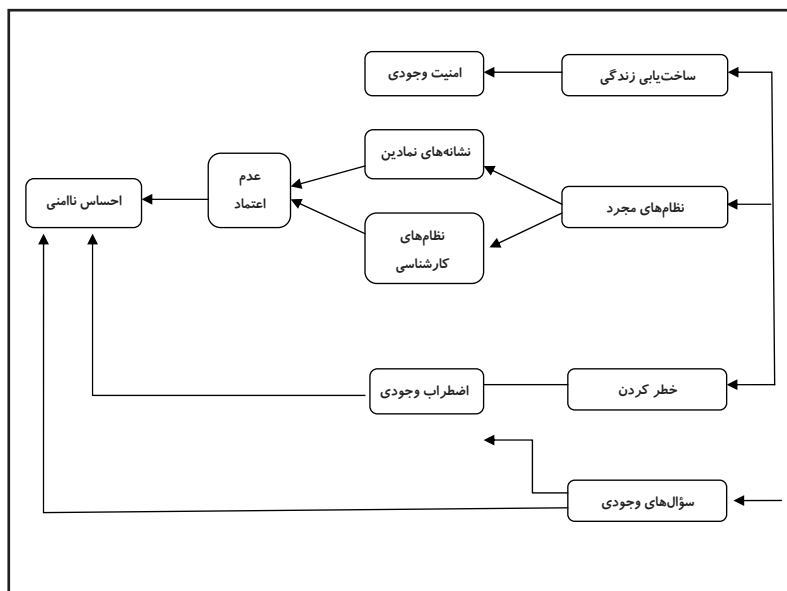
امنیت را می‌توان موقعیتی خواند که در آن با یک رشته خطرهای خاص مقابله‌شده و یا به حداقل رسانده شده باشند. تجربه امنیت به تعادل اعتماد و مخاطره بستگی دارد. امنیت چه به معنای بالفعل و چه

به معنای تجربی آن، ممکن است به انبوه‌ها یا مجموعه‌هایی از آدم‌ها، تا حد امنیت جهانی و یا به افراد ارتباط داشته باشد (گیدنز، ۱۳۷۷، ص ۴۴).

■ **جنسیت و احساس امنیت:** مسئله ناامنی برای زنان دارای ابعاد متعددی است که بدون لحاظ آن‌ها نمی‌توان به درک درستی از این مسئله نایل شد. اینکه چه گروه یا گروه‌هایی از مردان بیشترین نقش را در ایجاد ناامنی برای زنان دارند؛ اینکه از میان کنش‌های جمعی زنان، کدامیک در ایجاد ناامنی برای خود آنان، بیشتر مؤثر است، اینکه چه سهمی برای نظارت و کنترل اجتماعی باید در نظر گرفت، اینکه اخلاق چه جایگاهی در این بحث دارد، اینکه عوامل مؤثر در شهوانی‌سازی فضای جامعه چه ارتباطی با ناامنی جنسی دارند و پرسش‌های دیگری از این دست، در این مقاله مورد توجه نیستند و نتیجه آن چیزی نیست جز ارائه یک تحلیل کم‌مایه و کلیشه‌ای با این مضمون که «هر چه سطح مشارکت اجتماعی زنان بالاتر باشد، احساس امنیت در آنان نیز افزایش می‌یابد.» برحسب این تحلیل، جوامعی که به بالاترین سطوح مشارکت اجتماعی زنان رسیده‌اند، باید بیشترین امنیت را برای زنان فراهم آورده باشند، ولی مگر نه این است که انواع مختلف جرایم و آزارها در همین جوامع به اصطلاح پیشرفته بر زنان اعمال می‌شود. به علاوه، اگر امنیت مالی و اقتصادی زنان در این جوامع در سطح نسبتاً مطلوبی قرار دارد، در عوض، بالاترین میزان طلاق و فروپاشی خانواده مربوط به همین جوامع است و این خود یکی از اساسی‌ترین محورهای ناامنی و بی‌اعتمادی است که در این مقاله هیچ توجهی به آن نشده است (گیدنز، ۱۳۷۷).

■ **اعتماد و احساس امنیت:** گیدنز اعتماد در دنیای جدید را در قالب اعتماد در نظام‌های انتزاعی می‌آورد. به نظر او دو نوع قابلیت اعتماد وجود دارد: یک نوع قابلیت اعتمادی که در بین افرادی که آشنایی کامل با هم دارند صورت می‌گیرد که مبنای آن شناخت دقیق و آشنایی طولانی است و افراد صلاحیت لازم برای قابلیت اعتماد را به صورت تجربی به یکدیگر اثبات کرده‌اند و نوع دوم قابلیت اعتمادی است که در بین افرادی صورت می‌گیرد که نسبت به هم به صورت تجربی شناخت کامل ندارند و به اصطلاح نسبت به هم غریبه هستند ولی افراد تحت تأثیر نظام‌های تخصصی و کارشناسی مجبورند به دیگران اعتماد کنند. منظور گیدنز از نظام‌های نمادین، نمادهای کارشناسی چون پزشک، پلیس، معلم، تعمیرکار، تزییقاتی و... می‌باشد که ما به واسطه قواعد تخصصی باید به آن‌ها اعتماد داشته باشیم و این اجبار ناشی از بی‌اطلاعی افراد از تخصص و کارشناسی نظام‌های تخصصی است. در شرایط مدرنیته اعتماد به نظام‌های انتزاعی معمولاً در تداوم فعالیت‌های روزانه عجین شده است و تا اندازه زیادی به خاطر مقتضیات ذاتی زندگی روزانه اعمال می‌شوند. پس اعتماد بیشتر به خاطر پذیرش ضمنی شرایطی است که در آن راه‌های

دیگر تقریباً بسته‌اند (گیدنز، ۱۳۷۷، ص ۱۰۸).



نمودار ۱. مدل احساس ناامنی وجودی گیدنز (منبع: بیات، ۱۳۸۸)

■ **دین و احساس امنیت:** دین، نظامی فکری است که افراد جامعه را به وسیله آن به خودشان باز می‌نمایند و روابط مبهم و در ضمن صمیمانه‌شان را با جامعه، از این طریق بیان می‌کنند. به نظر دورکیم دین چیزی جز نیروی جمعی جامعه بر افراد نیست. دین نه یک توهم است و نه یک چیز اساساً ساختگی. وقتی مؤمنان این اعتقاد را پیدا می‌کنند که وابسته و مطیع به یک قدرت خارجی‌اند که همه چیزهای فی نفسه خوبشان را از او دارند، در واقع فریب نخورده‌اند؛ «این قدرت در واقع وجود دارد و آن همان جامعه است» (همیلتون، ۱۳۷۷، ص ۱۹۸).

■ **هویت اجتماعی و احساس امنیت:** مطالعات جدید امنیتی پس از شرایط جنگ‌های اول و دوم جهانی که نوع نگاه سخت‌افزاری به امنیت بر راهبردهای امنیتی جهان استیلا یافته بود، روزنه جدیدی را باز کردند که در آن عطف توجه به «هویت اجتماعی» در تعریف امنیت جایگاه ویژه‌ای باز کرد. از منظر این مطالعات، «امنیت اجتماعی‌شده» ناظر بر زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی و فرهنگی یک جامعه در تدوین راهبردهای امنیتی کشورها به‌عنوان مفهوم مرکزی نظریه‌های جدید قرار گرفت (بیات، ۱۳۸۸، ص ۱۳۶).

گیدنز تشخص را همان مفهوم «خود» که طرفداران مکتب کنش متقابل نمادی برداشت می‌کنند می‌داند، به تعبیر وی «تشخص همان مفهوم خود است که شخص آن را به عنوان بازتابی از زندگی‌نامه‌اش می‌پذیرد. تشخص، تداوم فرد در زمان و مکان می‌باشد» (گیدنز، ۱۳۷۷، ص ۵۶). از نظر گیدنز هر چه جوامع به سمت تجدد و توسعه یافتگی می‌روند و اجتماعات انسانی بزرگ‌تر و با روابط پیچیده‌تر حرکت می‌کنند و نظام‌های مجرد در آن‌ها شکل می‌گیرند، «خود» و «هویت» افراد محدودتر می‌شود چرا که مکانیزم‌های حفاظتی افراد ضعیف‌تر می‌شود. می‌توان گفت که تجدد، چهارچوب حفاظتی جوامع کوچک سنتی را از جاکنده و آن‌ها را با سازمان‌هایی بزرگ‌تر و غیرشخصی‌تر جانشین نموده است (گیدنز، ۱۳۷۷، ص ۵۸). جنکینز، از نظریه‌پردازان هویت، بر این نظر است که می‌توان از یک الگوی هویت‌شناسی واحد هم برای فهم هویت فردی و هم برای درک هویت اجتماعی استفاده کرد. جنکینز معتقد است اگر هویت شرط ضروری برای حیات اجتماعی است، عکس آن نیز صادق است. هویت فردی - که در خویشی تجسم یافته - جدا از سپهر اجتماعی دیگران معنادار نیست. افراد یگانه و متفاوت هستند، اما خویشی، به‌طور کامل در اجتماع ساخته می‌شود. شکل‌گیری هویت فردی در فرایندهای اجتماعی شدن ریشه دارد. خویشی، انسان بودن، جنسیت و در برخی شرایط، خویشاوندی و قومیت، هویت‌های اولیه هستند که در مراحل بعدی زندگی از هویت‌های دیگر مستحکم‌تر و در برابر دگرگونی، انعطاف‌پذیرتر هستند (جنکینز، ۱۳۸۱، ص ۳۷). در پاسخ به این سؤال که چگونه می‌توان مسایل عمومی را با مشکلات شخصی در یک قالب قرار داد، جنکینز می‌گوید: «هویت‌ها به ضرورت صفات افراد، تجسم یافته هستند، و گاه ضرورت دارد که با میزان فراوانی از انتزاع به‌طور اجتماعی ترکیب یابند. در هویت اجتماعی امر جمعی و امر فردی در یک قالب جای می‌گیرند» (جنکینز، ۱۳۸۱، ص ۴۴).

تحقیقات پیشین:

جبلی‌پور (به‌نقل از فتحی، ۱۳۸۲) به بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت اجتماعی و فرهنگی نوجوانان ارومیه پرداخته و به بررسی ۴ عامل خانواده، مدرسه، گروه دوستان و رسانه‌های تصویری که شکل‌گیری هویت اجتماعی و فرهنگ نوجوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهند پرداخته است.

مقدس و خواجه‌نوری (۱۳۸۴) با به‌کارگیری نظریه واترز که خود آمیزه‌ای از نظریه‌های گیدنز و رابرتسون است تلاش دارد تا تأثیر فرایند جهانی‌شدن را بر هویت اجتماعی زنان در دو شهر شیراز و استهبان (یکی از مراکز شهرستان این استان) بررسی کمی نماید.

جکوبسن در ۱۹۹۸ (به‌نقل از کیدقان، ۱۳۸۰) در رساله خویش به بررسی اسلام در حال انتقال هویت

قومی و دینی پاکستانی‌های ساکن انگلیس پرداخته است. آنچه که در این مطالعه مدنظر قرار گرفته، این امر را ثابت می‌کند که بیشتر مفاهیم هویتی، روشن و صریح نیستند، به عقیده او پاسخگویان، هیچ پاسخ مشخصی به این سوال‌ها که: من کیستم؟ یا من متعلق به کجا هستم؟ نمی‌توانند داشته باشند.

فینی^۱ در ۱۹۸۹ (به نقل از فتیحی، ۱۳۸۲)، در تحقیقی «رشد هویت قومی را در دانش‌آموزان پایه دهم در شهر لس‌آنجلس»، مورد مطالعه قرار داده است. این دانش‌آموزان از سه گروه قومی امریکایی-آسیایی، امریکایی-آفریقایی و امریکای لاتین بودند. «فینی» در این مطالعه متوجه شد که نوجوانان هر یک از این سه گروه قومی، با نیاز مشابهی برای شناخت هویت قومی، درون فرهنگ جامعه بررگتر (امریکایی‌های سفیدپوست) روبه‌رو هستند. در بعضی موارد، نوجوانان این سه گروه قومی، موضوعات متفاوتی را در تحلیل‌شان از هویت قومی مهم می‌دانستند.

در ۱۹۹۶ ریچارد جنکینز^۲ در اثر خود تحت عنوان «هویت اجتماعی» به تشریح هویت اجتماعی، رابطه آن با گروه و با شعور عامه، نظریه‌های هویت اجتماعی و مقوله‌بندی‌های اجتماعی و مدرنیته، عقلانیت و هویت و ... پرداخته است. به نظر وی، هویت اجتماعی بسیار مهم است و بدون داشتن هویت اجتماعی هیچ اجتماعی معنی ندارد، در ضمن این که برای ترسیم هویت، چهارچوب‌هایی لازم است تا بتوانیم با دیگران ارتباط معناداری برقرار کنیم. از نظر جنکینز، هویت اجتماعی در فردیت تجسم می‌یابد. وی تحقیق خود را به صورت پدیدارشناسانه و با استفاده از تکنیک‌های مصاحبه عمیق و مشاهده مشارکتی انجام داده است (جنکینز، ۱۹۹۶).

در پژوهش شریفی دریاز و چلبی (۱۳۸۴) ابتدا تئوری‌ها و مفهوم سازی‌های صورت گرفته از اقتدارگرایی، بازنگری شده و در نهایت با استفاده از مفهوم سازی التیمر، یک تعریف سه بعدی از اقتدارگرایی ارائه گردیده است. بر مبنای این تعریف، اقتدارگرایی در بردارنده سه بعد اصلی: عرف‌گرایی، اطاعت از قدرت و تعرض مستبدانه می‌باشد. سپس تئوری‌های مطرح شده در خصوص اقتدارگرایی و امنیت و نتایج تعدادی از تحقیقات انجام شده در این زمینه مورد بحث و بررسی قرار گرفتند. برای دستیابی به یک مفهوم مناسب از امنیت، مطالعات انجام شده در حوزه امنیت، مورد بازبینی و در نهایت با استفاده از نظریه چلبی، متغیر احساس امنیت در چهار بعد: جانی، مالی، فکری و جمعی تعریف شده است. داده‌های نهایی به روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه از میان ۳۶۵ نفر از افراد ۱۸ تا ۶۵ ساله در هشت منطقه از مناطق بیست گانه تهران گردآوری شدند. تحلیل‌های دو متغیره حاکی از عدم وجود رابطه معنی

1. Phinne
2. Jenkins

دار میان احساس امنیت و اقتدار گرایی می باشد.

کرامتی (۱۳۸۴) در پژوهش خود نشان داد ۸۰ درصد مشکلات مناطق حاشیه ای، خدماتی است که حل آنها به دستگاههای غیر از نیروی انتظامی مربوط می شود. همچنین میزان "احساس امنیت" شهروندان حاشیه‌های شهرستانهای استان تهران بیش از شهروندان تهران بزرگ است. سطح سواد و تحصیلات نیز در میزان احساس ناامنی نقش دارند به گونه ای که بیشترین میزان ناامنی مربوط به افراد با تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر است و کمترین میزان احساس ناامنی مربوط به افراد کمتر از دیپلم است. در گروههای سنی نیز بیشترین میزان احساس ناامنی مربوط به گروه سنی ۲۹-۲۵ سال می باشد و کمترین میزان احساس ناامنی مربوط به گروه سنی ۶۰ سال به بالا می باشد

یافته‌های پژوهش بنی اسدی، حسینیان و بنی اسدی (۱۳۸۵) نشان داد که نظارت همگانی، اهرم مثبت و قویتری است که با توسل به آن، رضایت مندی افراد جامعه از بُعد امنیت و آسایش، جامعه پذیری فعالانه و مثبت آحاد اجتماع، ظهور و شکوفایی پدیده «اعتماد متقابل» در جامعه، مسئولیت پذیری و مشارکت جویی شهروندان، تعامل گسترده مردم با پلیس، تضمین سلامت و تکامل ساختار شخصیت افراد جامعه تحقق و تامین می گردد.

فرضیه‌های تحقیق: بنابراین، در کل یک فرضیه اصلی و سه فرضیه فرعی بدین شرح تدوین گردید:

۱. بین هویت اجتماعی زنان و احساس امنیت آنان رابطه وجود دارد.
۲. بین گستره روابط اجتماعی زنان و احساس امنیت آنان رابطه وجود دارد.
۳. بین هویت فردی زنان و احساس امنیت آنان رابطه وجود دارد.
۴. بین اعتماد بنیادین زنان و احساس امنیت آنان رابطه وجود دارد.

روش

تحقیق حاضر از روش تحقیق پیمایشی استفاده نموده است. با مراجعه به سایت الکترونیکی بانک جهانی و سالنامه آماری سال ۱۳۸۶ ابتدا جمعیت زنان بین ۱۸ تا ۶۵ ساله تهران بزرگ، استخراج (۳۸۹۷۹۶۰ نفر) و با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۲۶۷ نفر و در نهایت جهت جایگزینی پرسشنامه‌های ناقص و بی پاسخ، ۳۰۰ نفر جهت سنجش انتخاب گردیدند. در این مطالعه از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده گردید؛ به طوری که از مناطق بیست و دوگانه شهر تهران، تعداد یک منطقه از شمال، جنوب، شرق و غرب تهران به طور جداگانه انتخاب و از هر منطقه، یک محله انتخاب و سپس از خانوارهای ساکن در محله، متناسب با سهمیه نمونه آن محله، خانواده‌هایی به صورت نمونه‌گیری تصادفی نظام مند انتخاب و

توسط زنان ۱۸ تا ۶۵ سال آن خانواده، پرسشنامه تکمیل گردید.

برای سنجش موضوع مورد مطالعه، گردآوری داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق‌ساخته صورت گرفت. برای تهیه پرسشنامه نهایی، ابتدا یک پرسشنامه مقدماتی^۱ تهیه و در ۳۰ نسخه پر شد تا میزان روایی و پایایی پرسشنامه سنجیده شود. روایی پرسشنامه، با استخراج فرضیات از دل نظریه‌ها و تعریف دقیق مفاهیم از بعد نظری و عملیاتی و بهره‌گیری از نظرات کارشناسان و اساتید علوم اجتماعی صورت گرفت. همچنین از سؤال‌های سایر تحقیقات بهره‌گیری و اصلاحات لازم در سؤال‌ها انجام شد، به نحوی که پرسشنامه از روایی بالایی برخوردار گردید. برای سنجش پایایی و ماندگاری ابزار تحقیق ابتدا یک پیش‌آزمون به تعداد ۳۰ نفر انجام گرفت و سپس با استفاده از تکنیک آلفای کرونباخ برآورد پایایی گردید ($\alpha = .84$).

تعریف مفاهیم: تحقیق حاضر شامل ۴ فرضیه است که مفاهیم آن تعریف نظری و عملیاتی شده و شاخص‌های سنجش هر کدام از این مفاهیم و نیز شماره سؤال‌های در پرسشنامه تعیین گردیده است.

□ **احساس امنیت:** احساس امنیت، پدیده‌ای روان‌شناختی-اجتماعی است که افراد از تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم خود از شرایط و اوضاع محیط پیرامون به صورت‌های گوناگون آن را تجربه می‌کنند. با وجود احساس امنیت، فرد از زندگی در محیط اجتماعی خود، هراسان نبوده و در تعامل با دیگران احساس ایمنی می‌کند (بیات، ۱۳۸۸). در این تحقیق احساس امنیت از سه بعد جانی، حیثیتی و مالی در سطح ترتیبی، بررسی و سنجیده می‌شود.

جدول ۱- گویه‌های احساس امنیت با استفاده از نظریه چلبی

ردیف	ابعاد	گویه‌ها
۱	بعد جانی	ترس از ربه‌شدن توسط راننده خودروی شخصی
		ترس از تردد در نقاط خلوت و شب در خیابان
۲	بعد مالی	ترس از ربه‌شدن توسط راننده خودروی شخصی
		ترس از تردد در نقاط خلوت و شب در خیابان
۳	بعد حیثیتی	ترس از مورد حمله قرار گرفتن توسط جنس مخالف
		ترس از آزاروآذیت جنس مخالف
		ترس از شنیدن کلمات رکیک و زشت از جنس مخالف
		ترس از فیلم‌برداری در مجالس و مهمانی‌ها
		ترس از هتک حرمت توسط جنس مخالف

1. pretest

□ **هویت اجتماعی:** هویت اجتماعی، احساس تعلق و همبستگی به یک جامعه است، به گونه‌ای که عضو یک جامعه، از سایر جوامع متمایز باشد و فرد در مقابل معیارها و ارزش‌های جامعه خود، احساس تعهد و تکلیف کند و در امور مختلف آن مشارکت جوید، انتظارات جامعه را از خود پاسخ دهد و در مواقع بحرانی، سرنوشت جامعه برای او مهم باشد (بورک، ۱۹۹۷). هویت اجتماعی زنان در این تحقیق با سه شاخص هویت فردی، اعتماد بنیادین و گستره روابط اجتماعی زنان معرفی و با سؤال‌های باز، در سطح ترتیبی سنجش شده است؛ که در ذیل به تعریف نظری و عملیاتی این شاخص‌ها پرداخته می‌شود:

۱. **هویت فردی:** هویت فردی، خود و تعریفی که فرد از خودش می‌کند؛ یعنی هویتی بنیادی و الگویی برای فهم همه هویت‌های بعدی است و شاخساری برای پیوند زدن آن هویت‌ها است (جنکینز، ۱۳۸۱). هویت فردی در این تحقیق با شاخص‌های اعتماد به نفس، میزان مذهبی بودن، تحصیلات و شغل زنان پاسخگو سنجیده می‌شود.

۲. **تحصیلات:** تلاش هدفمند و طراحی شده برای آموختن دانش، مهارت‌های شغلی، هنجارهای فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی که تحت هدایت و نظارت معلمان، دبیران و استادان، در یک نهاد رسمی به عنوان آموزش و پرورش یا آموزش عالی صورت می‌گیرد (عضدانلو، ۱۳۸۳، ص ۱۷۸). بر اساس نظر گیدنز افرادی که تحصیلات پایین دارند به دلیل قدرت اندکی که در تجزیه و تحلیل مسائل و مشکلات جامعه دارند به همان اندازه احساس امنیت کمتری نسبت به افراد با تحصیلات بالاتر دارند. این متغیر به صورت سؤال باز سنجیده شده است.

۳. **میزان مذهبی بودن:** فرد مذهبی کسی است که با آگاهی (اگرچه اندک) به اصول و شعایر یک مذهب، در نظر، عمل و پیروی از آن دین را اتخاذ کند به نحوی که این پیروی بر زندگی اجتماعی و غیردینی او نیز تأثیر بگذارد (انوری، ۱۳۷۴، ص ۱۵۶). در این تحقیق مذهبی بودن، با گویه‌هایی در خصوص میزان اعتقادات مذهبی، بخش تجربی، انجام مناسک دینی و پیامد دینداری سنجیده می‌شود.

۴. **اعتماد به نفس:** منظور از افراد دارای اعتماد به نفس در این تحقیق کسانی است که خواسته‌های خود را شناخته و در مقابل مشکلات احساس ضعف نمی‌کنند و توانایی تصمیم‌گیری در مورد این که چه رفتاری را در هر موقعیتی داشته باشند را دارا هستند. بر این اساس چنانچه تعریفی که فرد از خودش می‌کند مثبت باشد شخص دارای خودانگاره منسجم و قوی است و اعتماد به نفس بالایی دارد و چنانچه تعریف فرد از خودش منفی باشد، اعتماد به نفس او پایین است.

جدول ۲. گویه‌های شاخص مذهبی بودن

ردیف	نوع ابعاد	گویه‌ها
۱	اعتقادی	دین اسلام، تنها دین رستگاری است
		خداوند بر تمام اعمال و رفتار ما شاهد و ناظر است
		بالاخره همه روزی در محضر خداوند حساب پس می‌دهیم
۲	تجربی	انسان در مکان‌های زیارتی احساس آرامش می‌کند
		توبه کردن موجب احساس نزدیکی به خداوند می‌شود
		کمک به دیگران موجب رضایت خداوند می‌شود
۳	مناسکی	خواندن نمازهای روزانه
		قضا شدن نمازهای واجب
		گرفتن روزه در ماه مبارک رمضان
		خواندن دعاهای مستحب (توسل، کمیل،...)
		تلاوت قرآن کریم
۴	پیامدی	رعایت پوشش اسلامی
		آرایش کردن هنگام بیرون رفتن از منزل
		رعایت حجاب اسلامی در حضور برادر شوهر یا شوهر خواهر

۵. گستره روابط اجتماعی: عبارت است از محدوده کسانی که فرد با آنها ارتباط دارد و بر آنان تأثیر می‌گذارد یا از آنان تأثیر می‌پذیرد. این شبکه می‌تواند گسترده یا محدود باشد. تعریف شبکه ارتباطی از این حیث اهمیت دارد که گیدنز معتقد است افراد، نسبت به ارتباطی که با دیگران دارند دارای تنوع مراجع هستند و از بین مراجع متنوع، حق انتخاب دارند (گیدنز، ۱۳۷۸). حدود و گستره روابط اجتماعی زنان در این مطالعه توسط شاخص‌هایی چون ارتباط با بستگان درجه اول و دوم، ارتباط با همسایگان و دوستان، شرکت در مراسم مختلف و انجمن‌های گوناگون در سطح ترتیبی سنجیده می‌شود.

۶. اعتماد بنیادین: اعتماد به دنیای عینی و ملموس و همچنین اعتماد به همیشگی بودن دیگران که از تجربیات نخستین مراحل کودکی سرچشمه می‌گیرد. اعتماد بنیادین حاصل نوعی اجتماعی‌شدن ناخودآگاه و سرچشمه انواع بینش‌ها است. در این اعتماد فرد یاد می‌گیرد هم به دیگران اعتماد کند و هم به خودش. این نوع اعتماد نه تنها به این معناست که «شخص اتکا به یکنواختی و تداوم تأمین‌کنندگان خارجی‌اش را یاد گرفته، بلکه این را نیز یاد گرفته که می‌تواند به خودش اعتماد کند»

(گیدنز، ۱۳۷۷). با استناد به تعریف گیدنز، تعریف مورد نظر از اعتماد بنیادین این است که شخص علاوه بر اعتماد به دیگران و خوش بینی نسبت به زندگی، نسبت به خود هم اعتماد دارد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی: این پژوهش دارای یک متغیر وابسته (احساس امنیت) و سه شاخص در ارتباط با متغیر مستقل (هویت فردی، اعتماد بنیادین و گستره روابط اجتماعی) می‌باشد که برای سنجش این متغیرها از ۵۰ سؤال و گویه کمک گرفته شده است. ابتدا به بررسی متغیر وابسته، یعنی «احساس امنیت» می‌پردازیم که با ۹ گویه سنجیده شده است.

۱- احساس امنیت: برای سنجش «احساس امنیت» زنان، گویه‌هایی مطرح شده که احساس امنیت را با استفاده از نظریه چلبی (۱۳۷۵) از سه بُعد جانی، مالی و حیثیتی مورد بررسی قرار می‌دهند.

جدول ۳. توزیع فراوانی و درصد میزان احساس امنیت پاسخگویان

بی‌پاسخ	کم	متوسط	زیاد	گویه‌های احساس امنیت
۴ ٪۱/۳	۷۱ ٪۲۳/۶	۷۹ ٪۲۶/۳	۱۴۶ ٪۴۸/۶	ترس از ربوده شدن توسط راننده خودروی شخصی
۴ ٪۱/۳	۲۷ ٪۹/۰	۵۸ ٪۱۹/۳	۲۱۱ ٪۷۰/۴	ترس از تردد در نقاط خلوت و شب در خیابان
۶ ٪۲/۰	۷۴ ٪۲/۶	۷۱ ٪۲/۷	۱۴۹ ٪۴/۶	ترس از مورد حمله قرار گرفتن توسط جنس مخالف
۵ ٪۷/۱	۸۷ ٪۲۹/۰	۶۸ ٪۲۲/۷	۱۴۰ ٪۴۶/۷	ترس از آزار و اذیت جنس مخالف
۴ ٪۱/۳	۷۹ ٪۳۳/۰	۷۴ ٪۲۴/۷	۱۲۳ ٪۴۱/۰	ترس از شنیدن کلمات رکیک و زشت از جنس مخالف
۵ ٪۱/۷	۹۷ ٪۳۲/۳	۷۶ ٪۲۵/۳	۱۲۲ ٪۴/۷	ترس از فیلم برداری در مجالس و مهمانی‌ها
۵ ٪۱/۷	۱۰۲ ٪۳۴/۰	۶۳ ٪۲۱/۰	۱۳۰ ٪۴۳/۳	ترس از هتک حرمت توسط جنس مخالف
۲ ٪۷/۰	۸۰ ٪۲۶/۷	۷۷ ٪۲۵/۷	۱۴۱ ٪۴۷/۰	ترس از ربوده شدن کیف یا زیورآلات
۵ ٪۱/۷	۱۲۳ ٪۴۱/۰	۸۸ ٪۲۹/۳	۸۴ ٪۲۸/۰	ترس از خالی گذاشتن منزل مسکونی

جدول ۳ بیانگر عدم احساس امنیت در زنان از بُعد جانی است. ٪۴۸/۶ پاسخگویان نسبت به ربوده شدن توسط راننده خودروی شخصی، واهمه زیاد دارند و همچنین از این که مورد حمله (٪۴۹/۶)

و آزار و اذیت جنس مخالف قرار گیرند، نگران‌اند (۴۶/۷٪). این رقم نزدیک به ۵۰٪ زنان پاسخگو، هرچند که گویای توانمندی پایین زنان جامعه است؛ اما بخش زیادی از عدم احساس ناامنی به قوانین وضع شده برای مقابله با آزار و اذیت و رفتارهای ضداجتماعی ارتباط دارد که در اکثر پرسشنامه‌ها به این موضوع توسط پاسخ‌دهندگان اشاره شده است. بالاترین احساس ناامنی در زنان پاسخگو مربوط به ترس از تردد در نقاط خلوت و شب در خیابان است که ۷۰/۴٪ از پاسخ‌ها را شامل شده است. جدول ۴ توزیع درصدی زنان پاسخگو را در ابعاد مختلف احساس امنیت نشان می‌دهد.

جدول ۴: توزیع درصدی احساس امنیت پاسخگویان در ابعاد مختلف

کم	متوسط	زیاد	بعد امنیت
۵۴	۲۳	۲۱/۵	جانی
۳۷/۵	۲۷/۵	۳۳/۸	مالی
۴۲	۲۴	۳۳/۱	حیثیتی
۴۴/۵	۲۴/۸	۲۹/۴	جمع

در مقایسه کلی می‌توان گفت، احساس عدم امنیت جانی بیش از سایر موارد است (۵۴٪) بعد از آن، عدم امنیت حیثیتی در مرتبه بالایی قرار دارد (۴۲٪) و در نهایت، عدم امنیت مالی مطرح است (جدول ۲).
 ۲- گستره روابط اجتماعی: گستره روابط اجتماعی، به‌عنوان یکی از شاخص‌های هویت اجتماعی، توسط ۱۲ گویه سنجیده شده است. ۵ گویه اول مربوط به میزان رفت‌وآمد با گروه‌های خانوادگی است. توزیع درصد فراوانی این گویه‌ها در جدول ۵ نشان داده شده‌اند.

جدول ۵: توزیع فراوانی و درصد میزان رفت و آمد پاسخگویان با دیگران

بی‌پاسخ	کم	متوسط	زیاد	گروه‌ها
۲ ٪۷	۷ ٪۲/۳	۲۳ ٪۷/۷	۲۶۸ ٪۸۹/۳	اقوام درجه اول (پدر، مادر، خواهر و برادر)
۵ ٪۱/۷	۷۴ ٪۲۴/۶	۱۲۲ ٪۴۰/۷	۹۹ ٪۳۳	اقوام درجه دوم (عمو، عمه، دایی و خاله)
۳ ٪۱	۱۷۹ ٪۵۹/۷	۸۹ ٪۲۹/۷	۲۹ ٪۹/۷	سایر اقوام و بستگان
۱۱ ٪۳/۷	۲۰۸ ٪۶۹/۳	۵۰ ٪۱۶/۷	۳۱ ٪۱۰/۳	همسایگان
۳ ٪۱	۱۰۵ ٪۳۵	۱۱۹ ٪۳۹/۷	۷۳ ٪۲۴/۴	دوستان و آشنایان

بالاترین میزان ارتباط زنان پاسخگو، با اقوام درجه اول (۳/۸۹٪)، ۹۹ نفر (۳۳٪) با اقوام درجه دوم، ۷۳ نفر (۴/۲۴٪) با دوستان و آشنایان، ۳۱ نفر با همسایگان (۳/۱۰٪) و ۲۹ نفر (۷/۹٪) با سایر اقوام و وابستگان خود ارتباط زیاد دارند.

۳- **هویت فردی:** هویت فردی زنان پاسخگو به عنوان یکی دیگر از شاخص‌های هویت اجتماعی با گویه‌های مربوط به «اعتماد به نفس»، «میزان مذهبی بودن»، «تحصیلات» و «شغل» سنجیده شده است. الف) اعتماد به نفس: اعتماد به نفس یکی از شاخص‌های مهم متغیر هویت فردی می‌باشد که در این تحقیق با ۵ گویه مورد سنجش قرار گرفته است (جدول ۶).

جدول ۶. توزیع فراوانی و درصد اعتماد به نفس پاسخگویان

گویه‌های اعتماد به نفس	زیاد	متوسط	کم	بی پاسخ
احتیاج داشتن به شخصی که به شما بگوید باید چه کاری انجام دهید	۵۳ ۱۷/۶٪	۱۰۷ ۳۵/۷٪	۱۳۷ ۴۵/۷٪	۳ ۱٪
بافشاری بر اجرای تصمیماتی که می‌گیرید	۱۷۵ ۵۸/۳٪	۹۴ ۳۱/۳٪	۲۷ ۹٪	۴ ۱/۳٪
احساس موفقیت و پیروزی داشتن	۱۷۲ ۵۷/۴٪	۹۵ ۳۱/۷٪	۳۰ ۱۰٪	۳ ۱٪
تحت تأثیر دیگران بودن	۴۸ ۱۶٪	۸۱ ۲۷٪	۱۶۶ ۵۵/۴٪	۵ ۱/۷٪
اطمینان به این که هر تصمیمی بگیرد قادر به انجام آن هست	۲۰۲ ۶۷/۳٪	۷۶ ۲۵/۳٪	۱۸ ۶٪	۴ ۱/۳٪

از آن جا که شناخت استعدادها و قابلیت‌های فردی موجب بالارفتن میزان اعتماد به نفس می‌گردد، بنابراین تحصیلات عالی درصد بالایی از زنان این تحقیق می‌تواند دلیلی بر اعتماد به نفس بالای پاسخگویان باشد. ب- **میزان تحصیلات پاسخگویان:** توزیع فراوانی و درصد مربوط به میزان تحصیلات پاسخ دهندگان در جدول ۷ نشان داده شده است.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که ۳۰٫۷٪ پاسخگویان تحصیلات فوق دیپلم، ۲۶٫۳٪ لیسانس، ۵٫۳٪ فوق لیسانس و ۰٫۷٪ تحصیلاتی در حد دکترا داشته اند. بنابراین حدود ۶۳٪ پاسخگویان این تحقیق که شامل اکثریت آنان نیز می‌شود دارای تحصیلات عالی هستند. البته این امر در میزان درصد قبول شدگان کنکور هم مشهود است و چند سالی است که زنان بیش از ۶۰٪ قبول شدگان را تشکیل می‌دهند. بهره مند شدن بیشتر زنان از تحصیلات دانشگاهی به ویژه در شهرهای بزرگ مانند تهران، باعث دگرگونی هویت در زنان و رشد بیش از پیش هویت اجتماعی آنان شده است. ۳۷٪ پاسخگویان نیز دارای مدرک

دیپلم و پایین تر از دیپلم هستند.

جدول ۷. توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان برحسب میزان تحصیلات

ردیف	تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۱	بی پاسخ	۳	۱	۱,۰
۲	بی سواد	۸	۲,۶	۵,۰
۳	سیکل	۱۴	۴,۷	۸,۳
۴	دیپلم	۸۶	۲۸,۷	۳۷,۰
۵	فوق دیپلم	۹۲	۳۰,۷	۶۷,۷
۶	لیسانس	۷۹	۲۶,۳	۹۴
۷	فوق لیسانس	۱۶	۵,۳	۹۹,۳
۸	دکتری	۲	۰,۷	۱۰۰
۹	جمع	۳۰۰	۱۰۰	۱۰۰

ج) میزان مذهبی بودن: میزان مذهبی بودن پاسخگویان در چهار بُعد اعتقادی، تجربی، مناسکی و پیامدی با ۱۴ گویه بررسی شده است. اکثر جامعه‌شناسان نقش دین را در ایجاد هویت مهم دانسته‌اند و طبق گفته گیدنز، دین برای مؤمنان محیطی از امنیت ارایه می‌دهد، آموزه‌های دینی در تربیت فرد در جامعه و به خصوص زنان، کارکرد مؤثری دارد و روابط اجتماعی آنان را بهبود بخشیده و با امور و تعاملات اجتماعی نیز ارتباط دارد. جدول ۸ فراوانی و درصد مذهبی بودن پاسخگویان را در کل نشان می‌دهد.

جدول ۸. توزیع فراوانی و درصد مذهبی بودن پاسخگویان در ابعاد مختلف

ابعاد مذهبی بودن	کم	متوسط	زیاد
اعتقادی	۶ ٪۲	۲۳ ٪۷/۷	۲۶۹ ٪۸۹/۷
تجربی	۱۳ ٪۴/۳	۲۷ ٪۹	۲۶۰ ٪۸۶/۷
مناسکی	۲۸ ٪۹/۳	۶۶ ٪۲۲	۲۰۰ ٪۶۶/۷
پیامدی	۶۳ ٪۲۱	۵۲ ٪۱۷/۳	۱۷۹ ٪۵۹/۷
جمع	۱۳ ٪۴۵/۳	۴۲ ٪۱۴	۲۴۵ ٪۸۱/۷

د) شغل پاسخگویان: توزیع فراوانی و درصد مربوط به شغل پاسخ دهندگان در جدول ۹ نشان داده شده است.

جدول ۹. توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب شغل

ردیف	شغل	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۱	بی پاسخ	۱۷	۵,۷	۵,۷
۲	دانشجو	۷۱	۲۳,۷	۲۹,۳
۳	کارمند	۷۹	۲۶,۳	۵۵,۷
۴	خانه دار	۵۷	۱۹,۰	۷۴,۷
۵	دانش آموز	۲۷	۹,۰	۸۳,۷
۶	معلم	۱۲	۴,۰	۸۷,۰
۷	سایر	۳۷	۱۲,۳	۹۸,۷
۸	جمع	۳۰۰	۱۰۰	۱۰۰

طبق داده‌های بدست آمده، حدود ۱۹٪ پاسخگویان را زنان خانه دار تشکیل داده‌اند. ۲۳,۷٪ دانشجو، ۹٪ دانش آموز، ۲۶,۳٪ کارمند و ۴٪ خود را معلم معرفی نموده‌اند. با توجه به تحولاتی که در سال‌های اخیر در نقش‌های زنان رخ داده، زمینه دگرگونی هویت اجتماعی زنان را فراهم نموده که آمار ۳۳٪ پاسخگویان شاغل (کارمند، معلم و...) در این تحقیق بیانگر این امر است. تعداد ۳۷ نفر (۱۲,۳٪) پاسخگویان دارای مشاغلی غیر از مشاغل یاد شده در بالا بوده‌اند و تعداد ۱۷ نفر (۵,۷٪) شغل خود را مشخص نکرده‌اند.

۴- اعتماد بنیادین: «اعتماد بنیادین» زنان پاسخگو، با ۲ سؤال و ۴ گویه سنجیده شده است. دو سؤال نشانگر اعتماد پاسخگو در عمل به دیگران بود که یکی میزان مراجعه‌ای بود که در زمان نیاز به آشنایان و بستگان خود می‌کردند که ۴۷/۳٪ به میزان زیاد، ۳۶٪ متوسط و ۱۵/۷٪ به میزان کمی در زمان نیاز، به بستگان خود مراجعه می‌کرده‌اند.

جدول ۱۰. توزیع فراوانی و درصد اعتماد به دیگران پاسخگویان

گویه‌های اعتماد به دیگران	موافق	بی نظر	مخالف	بی پاسخ
امروزه نمی‌توان به بیشتر مردم اعتماد کرد و با آن‌ها در کارها شریک شد	۲۰۹ ۶۹/۷٪	۴۴ ۱۴/۷٪	۴۰ ۱۳/۳٪	۷ ۲/۳٪
این روزها مردم، وظایف و کارهای خود را به درستی انجام نمی‌دهند	۱۸۵ ۶۱/۷٪	۶۷ ۲۲/۳٪	۴۸ ۱۶٪	-
بسیاری از مردم هنگام فروش چیزی، حاضر به بیان عیب و نقص آن نیستند	۲۰۸ ۶۹/۳٪	۵۵ ۱۸/۳٪	۳۷ ۱۲/۴٪	-
عموم مردم به قول و قرارهای خود عمل می‌کنند	۴۰ ۱۳/۴٪	۱۵۸ ۵۲/۷٪	۱۰۲ ۳۴٪	-

در کل می‌توان گفت اعتماد پاسخگویان به دیگران کم است و این بی‌اعتمادی نشانه‌ای از پایین بودن اعتماد بنیادینی است که از زمان کودکی در افراد شکل می‌گیرد. گیدنز بیان می‌دارد: استقرار اعتماد بنیادین، شرط اساسی تدارک هویت فردی است. از آن جایی که زنان، مراقبان اصلی اعضا خانواده هستند، نوعی گسستگی دور یا بیگانه از اعتماد و اعتبار ممکن است عواقبی آسیب‌زا به بار آورد و این بی‌اعتمادی را به فرزندان و دیگر اعضای خانواده منتقل کنند.

یافته‌های تحلیلی (آزمون فرضیات):

الف- فرضیه اول: «بین هویت اجتماعی زنان و احساس امنیت آنان رابطه وجود دارد.» آزمون این فرضیه در جدول ۱۱ آورده شده است.

جدول ۱۱. درصد رابطه بین احساس امنیت و هویت اجتماعی پاسخگویان

هویت اجتماعی				احساس امنیت
جمع	زیاد	متوسط	کم	
۴۶/۳	۵۱/۴	۳۱/۹	۴۰	کم
۳۰/۷	۲۷/۱	۴۱/۷	۳۰	متوسط
۲۳	۲۱/۶	۲۶/۴	۳۰	زیاد
۱۰۰	۷۲/۷	۲۴	۳/۳	جمع
$\chi^2 = ۰/۲۴۴$			Sig = ۰/۰۱۴	

نتایج جدول ۱۱ حاکی از همبستگی ۲۴٪ بین دو متغیر «احساس امنیت» و «هویت اجتماعی» است و به احتمال ۹۵٪ این رابطه در جمعیت آماری نیز وجود دارد. سطح معناداری بالا نشان‌دهنده واقعی بودن رابطه مشاهده شده بین هویت اجتماعی و احساس امنیت است.

ب- فرضیه دوم: «بین گستره روابط اجتماعی زنان و احساس امنیت آنان رابطه وجود دارد.» جدول ۱۲، درصد رابطه بین احساس امنیت و گستره روابط اجتماعی را در این تحقیق نشان می‌دهد.

جدول ۱۲. رابطه بین گستره روابط اجتماعی و احساس امنیت پاسخگویان برحسب درصد

گستره روابط اجتماعی				احساس امنیت
جمع	زیاد	متوسط	کم	
۴۶/۳	۶۳/۲	۴۶/۲	۴۲	کم
۳۰/۷	۲۳/۷	۲۷/۷	۳۵	متوسط
۲۳	۱۳/۲	۲۶/۱	۲۳/۱	زیاد
۱۰۰	۱۲/۷	۳۹/۷	۴۷/۷	جمع
$\chi^2=0/136$		Sig = 0/102		

ضریب همبستگی ۱۴ بیانگر وجود رابطه بسیار ضعیف بین متغیر «گستره روابط اجتماعی» و «احساس امنیت» می‌باشد و سطح معناداری ۹۰٪ نیز بیانگر این موضوع است که بین این دو متغیر رابطه معناداری وجود ندارد.

ج- فرضیه سوم: جدول ۱۳ به بررسی فرضیه «بین هویت فردی زنان و احساس امنیت آنان رابطه وجود دارد» می‌پردازد.

جدول ۱۳. رابطه بین هویت فردی و احساس امنیت پاسخگویان برحسب درصد

هویت فردی				احساس امنیت
جمع	زیاد	متوسط	کم	
۴۶/۳	۴۹/۴	۲۸/۱	۲۲/۲	کم
۳۰/۷	۲۹/۳	۴۰/۶	۳۳/۳	متوسط
۲۳	۲۱/۲	۳۱/۳	۴۴/۴	زیاد
۱۰۰	۸۶/۳	۱۰/۷	۳	جمع
$\chi^2=0/354$		Sig = 0/007		

آمارهای جدول ۱۳ نشان‌دهنده وجود رابطه مثبت بین دو متغیر احساس امنیت و هویت فردی زنان است. همبستگی ۰/۳۵۴ بین احساس امنیت و هویت فردی و سطح معناداری ۰/۰۰۷ مؤید این ادعاست و با اطمینان ۹۵٪ می‌توان این نتیجه را به جامعه آماری تعمیم داد.

د- فرضیه چهارم: «بین اعتماد بنیادین زنان و احساس امنیت آنان رابطه وجود دارد». طبق بیان گیدنز،

اعتماد بنیادین نقش مهمی در شکل گیری روابط افراد، در فضای بالقوه دارد و ارتباط‌های هسته‌ای بین امور روزمره و احساس امنیت، در فعالیت‌های فرد پدید می‌آورد. جدول ۱۴ نتایج بررسی بین دو متغیر احساس امنیت و اعتماد بنیادین را نشان می‌دهد.

جدول ۱۴. رابطه بین اعتماد بنیادین و احساس امنیت پاسخگویان بر حسب درصد

اعتماد بنیادین				احساس امنیت
جمع	زیاد	متوسط	کم	
۴۶/۳	۴۹/۵	۴۱/۲	۳۶/۸	کم
۳۰/۷	۲۹/۱	۳۲/۹	۳۶/۸	متوسط
۲۳	۲۱/۴	۲۵/۹	۲۶/۳	زیاد
۱۰۰	۶۵/۳	۲۸/۳	۶/۳	جمع
$\gamma=۰/۳۲۵$		Sig = ۰/۰۰۴		

ضریب همبستگی متوسط ۰/۳۲۵ و سطح معناداری بالا بین دو متغیر اعتماد بنیادین و احساس امنیت حاکی از وجود رابطه مثبت بین این دو متغیر است و با اطمینان ۹۵٪ این نتیجه را می‌توان به جامعه آماری تعمیم داد.

ضریب همبستگی پیرسون: در این تحقیق به جهت این که هر کدام از متغیرها، با چند گویه سنجیده شده است، با جمع گویه‌ها و تبدیل اعداد به فاصله‌ای، از ضریب همبستگی پیرسون نیز استفاده شد (جدول ۱۵).

جدول ۱۵. نتایج محاسبات ضریب همبستگی پیرسون

احساس امنیت	اعتماد بنیادین	گستره روابط اجتماعی	هویت فردی	
			۱	هویت فردی
		۱	**۰/۲۵۲ ./۰۰۰	گستره روابط اجتماعی
	۱	**۰/۲۲۹ ./۰۰۰	**۰/۳۱۲ ./۰۰۰	اعتماد بنیادین
۱	**۰/۲۳۴ ./۰۰۰	**۰/۱۰۳ ./۰۷۶	**۰/۲۸۴ ./۰۰۰	احساس امنیت

مقادیر به دست آمده نشان می‌دهد که بین متغیرها با یکدیگر نیز رابطه وجود دارد؛ به نحوی که همبستگی بین هویت فردی و گستره روابط اجتماعی ۰/۲۵۲ و با سطح معناداری ۰/۹۵، همبستگی بین اعتماد بنیادین و هویت فردی با ۰/۳۱۲ و ۰/۹۵ اطمینان و نیز همبستگی بین احساس امنیت و هویت فردی هم ۰/۲۸۴ و با ۰/۹۵ اطمینان وجود دارد. همچنین بین اعتماد بنیادین و گستره روابط اجتماعی همبستگی ۰/۲۲۹ با ۰/۹۵ اطمینان و احساس امنیت و اعتماد بنیادین با ۰/۲۳۴ و ۰/۹۵ اطمینان رابطه وجود دارد. تنها موردی که رابطه وجود ندارد بین متغیر احساس امنیت و گستره روابط اجتماعی است که قبلاً هم این عدم رابطه نشان داده شده بود.

بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین هویت اجتماعی زنان و احساس امنیت آنان است. برای ارزیابی الگوی نظری و دستیابی به چهارچوب تحلیلی منطبق با واقع، محقق، میدان تجربه تحقیق را زنان شهر تهران در نظر گرفته است. بدین منظور، بعد از مطالعه تحقیقات پیشین و ادبیات مسئله، برای جهت‌دهی به موضوع و سازماندهی اطلاعات و حرکت در مسیر عوامل اصلی مؤثر بر مسئله به نظریات جامعه‌شناسی مراجعه نموده و در نهایت با تأکید بر نظریات گیدنز و جنکینز در رابطه با احساس امنیت و هویت اجتماعی، چهارچوب نظری تدوین شد و از این چهارچوب نظری ۴ فرضیه استخراج گردید. در این فرضیات، احساس امنیت در زنان به عنوان متغیر وابسته، هویت اجتماعی به عنوان متغیر مستقل و هویت فردی زنان، اعتماد بنیادین و گستره روابط اجتماعی آنان به عنوان شاخص‌های متغیر مستقل، در ارتباط با یکدیگر قرار گرفتند.

فرضیه اول (اصلی) این تحقیق، که رابطه بین هویت اجتماعی زنان و احساس امنیت آنان را در شهر تهران بیان می‌کند، بر طبق نظریه گیدنز تدوین شده بود که بیان می‌داشت امنیت وجودی یکی از صورت‌های مهم احساس امنیت است و در واقع به اطمینانی مربوط می‌شود که بیشتر آدم‌ها به تداوم تشخیص هویت خود و دوام محیط‌های اجتماعی و مادی کنش در اطراف خود دارند. با توجه به ضریب همبستگی ۰/۲۴ بین دو متغیر احساس امنیت و هویت اجتماعی و سطح معناداری ۰/۰۱۴ این فرضیه تأیید می‌گردد و نشان می‌دهد که زنانی که هویت اجتماعی بالاتری دارند، احساس امنیت بیشتری هم دارند. این تأیید ضمن این که نظریه‌های مطرح شده خصوصاً نظر گیدنز را تأیید می‌کند، نشان می‌دهد که چنانچه افراد، هویت اجتماعی خود را تقویت کرده و ارتباطات اجتماعی بیشتری داشته باشند، قدرت و توانمندی بیشتری در خود احساس کرده و متناسب با آن، احساس امنیت بیشتری هم می‌کنند.

فرضیه دوم به بررسی رابطه بین گستره روابط اجتماعی و احساس امنیت می‌پردازد. این فرضیه بر مبنای نظریه گیدنز تدوین شده بود، گیدنز بیان می‌دارد انسان در کنش متقابل با دیگران است که هویتش را ایجاد می‌کند و در جریان زندگی آن را پیوسته تغییر می‌دهد و جرح و تعدیل می‌کند و این که هیچ کس دارای هویت ثابتی نیست و هویت، سیال و همواره در حال ایجاد شدن و عوض شدن است. هستی جامعه به عنوان یک کل، در سایه پیوندهای متقابل و تعلقات مشترک تحقق می‌پذیرد. مانند یک سیستم یا یک ارگانیسم که وجودش در گرو پیوندهای متقابل میان اجزایش می‌باشد. بنابراین جامعه به یمن وجود پیوندهای متقابل و تعلقات مشترک افراد، شکل گرفته و دوام می‌یابد و بالعکس با از بین رفتن تعلقات مشترک، احساس امنیت در جامعه از بین می‌رود. رابطه بین گستره روابط اجتماعی و احساس امنیت بر اساس تجزیه و تحلیل آماری انجام شده با سطح معناداری $0/102$ و ضریب همبستگی $0/136$ عدم وجود رابطه بین دو متغیر را نشان می‌دهد.

فرضیه سوم به بررسی رابطه بین هویت فردی زنان و احساس امنیت آنان می‌پردازد. بر اساس نظریه جنکینز تدوین شد که بیان داشته «خود» و تعریفی که فرد از خودش می‌کند، یعنی هویت فردی، هویتی بنیادی و الگویی برای فهم همه هویت‌های بعدی است و جنسیت مهم‌ترین عاملی است که به تجربه فرد سامان می‌دهد، آن را در خویشتن ادغام می‌کند و فرصت‌ها و تجربیات زندگی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. ضریب همبستگی $0/354$ و سطح معناداری $0/007$ حاکی از وجود رابطه بین این دو متغیر و تأیید فرضیه و متناسب با آن، تأیید نظر جنکینز است.

فرضیه چهارم بررسی رابطه بین اعتماد بنیادین زنان و احساس امنیت آنان بود که بر اساس نظریه گیدنز مبنی بر تجربه اعتماد بنیادین تدوین شده است. وی معتقد است اعتماد بنیادین نوعی امنیت وجودی و خوش‌بینی و اعتماد به دیگران پدید می‌آورد که به فرد امکان می‌دهد تا در رویارویی با رویدادهای ناگوار زندگی اجتماعی امیدواری و شهامت خود را حفظ کرده و احساس امنیت کند. ضریب همبستگی $0/32$ و سطح معناداری $0/004$ مؤید تأیید فرضیه و تأیید نظر گیدنز است. از آن جا که مقیاس اندازه‌گیری آزمون‌ها در سطح ترتیبی بود، از آزمون فریدمن برای مقایسه میانگین رتبه‌های سه متغیر «گستره روابط اجتماعی»، «هویت فردی» و «اعتماد بنیادین» استفاده شد که سطح معناداری 95% و مقایسه میانگین رتبه‌ها نشان داد که هویت فردی و اعتماد بنیادین، به ترتیب، بیشترین رابطه را بر احساس امنیت دارند و کمترین رابطه متعلق به متغیر گستره روابط اجتماعی بود که در آزمون فرضیات هم تأیید نشده بود.

همچنین به دلیل این که در این تحقیق، برای سنجش هر متغیر از چند گویه استفاده شده بود، با جمع

گویه‌ها و تبدیل اعداد به فاصله‌ای، از «ضریب همبستگی پیرسون» جهت تعیین میزان رابطه بین متغیرها استفاده گردید که فقط رابطه بین گستره روابط و احساس امنیت تأیید نشد. بنابراین، در استفاده از ضریب همبستگی پیرسون هم، دو فرضیه فرعی تأیید و یک فرضیه رد شد.

در آغاز هزاره سوم، تکاپوی تازه‌ای برای فهم دغدغه‌های اجتماع و امنیت آغاز شده است. از گفتمان نوینی به نام «امنیت و احساس امنیت» سخن می‌رود که چشم‌انداز جدیدی را بر مجموعه هویت انسان‌ها باز می‌نمایاند. در این راستا مطالعه احساس امنیت زنان جامعه به‌عنوان رکن اصلی «خانواده»، یعنی نهادی که افراد، پیش از ارتباط مستقیم با سایر گروه‌ها و سازمان‌های جامعه، پیوندهای مشترک و وابستگی به یکدیگر را در آن تجربه می‌کنند، اهمیت به‌سزایی خواهد یافت. طبیعتاً وقتی زن خانواده، احساس ناامنی می‌کند، سایر افراد خانواده به جهت وابستگی به او، دچار دغدغه و تشویش می‌شوند یا بالعکس. از آن جایی که اجتماع و ساختارهای اجتماعی مستقیماً هویت افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با توجه به این موضوع که دستاورد دنیای کنونی به قیمت اختلال در تشخیص و هویت افراد، به خصوص زنان جامعه بوده است تحقیق حاضر به ایده احساس امنیت زنان پرداخت و نتیجه این که از یک فرضیه اصلی و سه زیر فرضیه مورد بررسی، سه فرضیه تأیید و تنها فرضیه رابطه گستره روابط اجتماعی با احساس امنیت تأیید نشد، آن هم فقط در بخش روابط با خانواده و احساس امنیت. با تأیید این فرضیات، نظریه‌های مورد استفاده نیز تأیید گردیدند.

پیشنهادهای:

محورهای پیشنهادی زیر می‌توانند مورد توجه قرار گیرند:

- توجه بیشتر روان‌شناسان و مشاورین جهت تقویت اعتماد بنیادین در زنان که نخستین مراقبان و سرپرستان کودکان بوده و هویت فردی آنان را شکل می‌دهند.
- تلاش و کوشش دولت، نهادها و سازمان‌ها برای فراهم آوردن شرایطی که موجب تقویت هویت افراد و مخصوصاً زنان می‌شود، از جمله بالا بردن سطح تحصیلات، آگاهی مذهبی، شغل مناسب، امکانات ورزشی - تفریحی متناسب و....
- تلاش و اهتمام مسئولین آموزش و پرورش برای شناخت و کشف استعدادها و توانمندی‌های فردی دانش‌آموزان که موجب بالابردن احساس امنیت در آنان می‌شود.
- چون بخش عمده‌ای از تعلیم و تربیت کودکان بر عهده مادران می‌باشد و زنان به جهت تعدد وظایف

در خانواده از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند، بنابراین تقویت هویت فردی و اجتماعی آنان از اقدامات دیگری در جهت بالابردن احساس امنیت می‌باشد.

منابع

منابع فارسی:

- بیات، بهرام (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی احساس امنیت. تهران: امیر کبیر.
- بنی اسدی علی، حسینیان سیمین، بنی اسدی مهدی (۱۳۸۵). "تأثیر نظارت همگانی بر افزایش احساس امنیت در جامعه". مجموعه مقالات دومین همایش ناجا و نظارت همگانی.
- تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۷۴) درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناختی (ویرایش ۲). گناباد: نشر مردنیز.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی (تورج یاراحمدی، مترجم). تهران: نشر و پژوهش شیرازه (نشر اثر اصلی ۱۹۹۶).
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. تهران: نشر نی.
- شریفی دریاز، مسعود؛ چلبی، مسعود (۱۳۸۴). «بررسی اقتدارگرایی و عوامل مؤثر بر آن با تاکید بر احساس امنیت اجتماعی» (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- فتحی، لاله (۱۳۸۲). بررسی تطبیقی هویت اجتماعی-فرهنگی زنان و عوامل مؤثر بر آن در مناطق شهری استان آذربایجان غربی (بررسی موردی دختران دانش‌آموز سال سوم دبیرستان). (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تبریز، تبریز.
- کرامتی، مهدی (۱۳۸۴). «بررسی میزان احساس امنیت در بین حاشیه‌نشینان شهرستان‌های استان تهران» (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تهران، تهران.
- کوزر، لوئیس آلفرد؛ روزنبرگ، برنارد (۱۳۷۸). نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی (فرهنگ ارشاد، مترجم). تهران: نشر نی (نشر اثر اصلی ۱۹۸۹).
- کیذقان، طاهره (۱۳۸۰). بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی زنان (مطالعه موردی شهر شیراز). (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شیراز، شیراز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیت (محسن ثلاثی، مترجم). تهران: نشر مرکز (نشر اثر اصلی ۱۹۹۰).
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). تجدد و تشخص (ناصر موفقیان، مترجم). تهران: نشر نی (نشر اثر اصلی ۱۹۹۱).
- مقدس، علی اصغر؛ خواجه‌نوری، بیژن (۱۳۸۴، بهار). جهانی‌شدن و تغییر هویت اجتماعی زنان. فصلنامه مطالعات زنان، ۳ (۷)، ۵-۳۲. باز یابی از http://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J_pdf/64013840705.pdf
- همیلتون، ملکم (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی دین (محسن ثلاثی، مترجم). تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان (نشر اثر اصلی ۱۹۹۸).

منابع انگلیسی:

- Burke, P. J. (1997). An identity Model for Network Exchange. *American Sociological Review*, 62(1), 134-150. doi: [10.2307/2657456](https://doi.org/10.2307/2657456)
- Jenkins, R. (1996). *Social Identity*. London: Rutledge.